



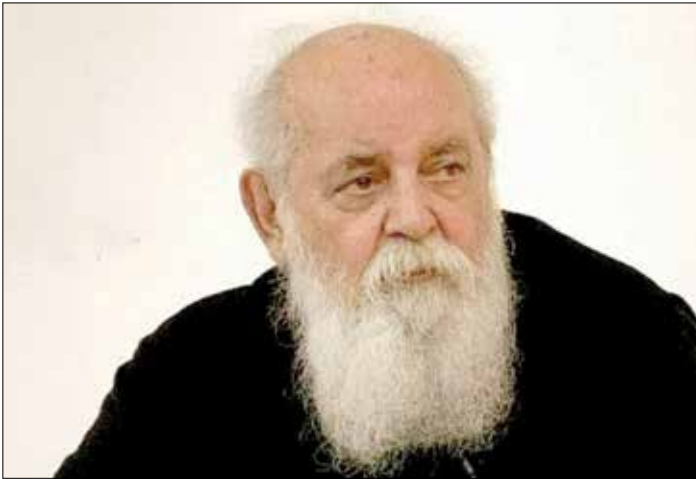
فریدون جیرانی گفت: هروقت احساس می‌کنم آدم‌گی فیلمسازی ندارم کار روزنامه نگاری انجام می‌دهم، تحقیقاتم را کامل می‌کنم، مصاحبه‌های تاریخ سینما می‌خوانم و یا فکر می‌کنم که کار مطبوعاتی انجام بدهم و به همین شکل توانستم شکست‌ها و مشکلات را تحمل کنم.

به گزارش ایسنا، موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «فریدون جیرانی» فیلمنامه نویس، کارگردان و تهیه کننده سینما بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

فریدون جیرانی با بیان اینکه اسفندماه ۱۳۳۰ در کاشمر متولد شده است، گفت: شاسنامه‌ام در کاشمر گرفته شده اما متأسفانه هیچ خاطره‌ای از آنجا ندارم، به دلیل اینکه پدرم تکنسین دامپزشکی بود و دائم منتقل می‌شد. پدرم از مشهد به تربیت حیدریه رفت و از آنجا به کاشمر که من در آنجا به دنیا آمدم و دوباره به مشهد برگشتم.

وی با بیان اینکه در خانواده ما دو ویژگی وجود داشت که شانس بزرگ برای من بود، خاطرنشان کرد: ابتدا اینکه پدرم اهل خواندن مجله بود و رمان هم زیاد می‌خواند و دوم اینکه پدرم علاقه زیادی به سینما رفتن داشت، حتی قبل از اینکه ازدواج کند؛ از سینماهای مشهد خاطره داشت و فیلم «ختر لِر» را هم دیده بود.

وی ادامه داد: پدرم به دلیل اینکه فیلم می‌دید و من هم تنها بچه خانواده بودم با او به سینما می‌رفتم. تمام خاطرات فیلم دیدن من به یک شهرستان کوچک که پنج خیابان و دو سینمای فردوسی و مولن روز داشت برمی‌گردد البته خاطره دیگر هم سفر از تربت حیدریه به مشهد است که دو ساعت راه بود و ما همراه با پدر به مشهد که در آنجا خانه داشت می‌آمدیم و چند روز می‌ماندیم. خاطرات سینمایی من بیشتر در این سفر است که بسیار برایم لذت بخش بود. اتوبوس‌های تربیت حیدریه وقتی به مشهد می‌رسیدند



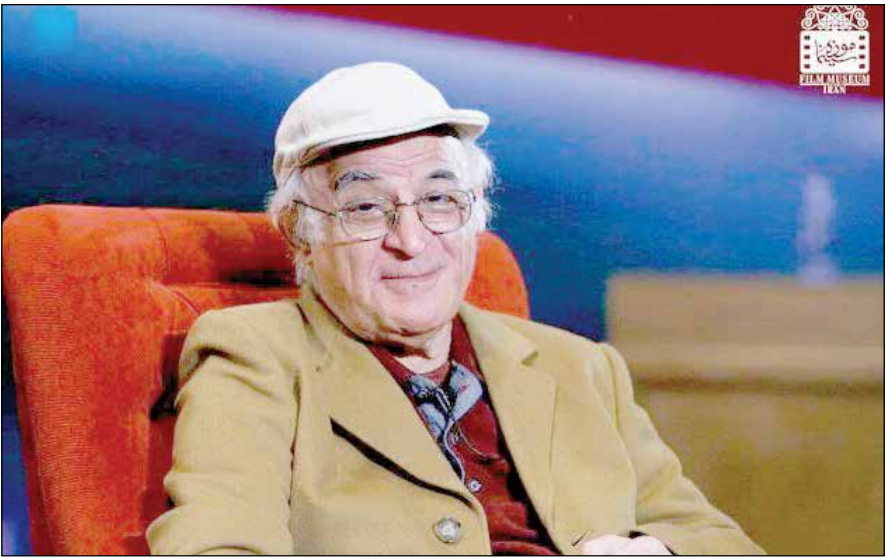
هوشنگ ابتهاج با اشاره به نقل قولی که از او درباره جنگ اوکراین و روسیه شده است، گفت: دیگر خسته شدم از این همه جمل و دروغی که به من که نسبت می‌دهند، شعر جعلی، تصنیف و ترانه جعلی، خاطره جعلی.



هوشنگ ابتهاج با اشاره به نقل قولی که از او درباره جنگ اوکراین و روسیه شده است، گفت: دیگر خسته شدم از این همه جمل و دروغی که به من که نسبت می‌دهند، شعر جعلی، تصنیف و ترانه جعلی، خاطره جعلی.

فریدون جیرانی:

هیچ وقت به کارگردانی فکر نمی‌کردم



ایندا دور حرم می‌رفتند و از آنجا به سمت خانه می‌آمدند که من می‌توانستم سینماها را ببینم اما بعد از مدتی مسیر اتوبوس‌ها عوض شد و از منطقه‌ای می‌آمدند که من دیگر سینماها را نمی‌دیدم و این خاطره برای من تلخ است که چرا مسیر اتوبوس‌ها تغییر کرد و من نمی‌توانستم سردر سینماها را ببینم.

جیرانی با اشاره به اینکه داریوش ارجمند یک دوربین ۸ میلی متری داشت و ما از او گرفتیم، گفت: من اولین فیلم ۸ میلی‌متری‌ام بنام «بیزن و خیال و کفش» را با فیلمبرداری مهرداد تدین با همان دوربین ساختم. وی بنا بیان اینکه بیزن امکانیان در آبادان متولد شده بود، خاطرنشان کرد: پدر او کارمند شرکت نفت بود که به مشهد منتقل شده بود و در همان مدت به اداره برنامه تئاتر و به من گفت بین بدین شکل فیلمنامه می‌نویسند.

هوشنگ ابتهاج:

درباره جنگ اوکراین حرفی ن‌زدم

راجعه‌به جنگ اوکراین چیست. گفت کدام اظهارنظر؟ گفتم همان که آقای ابطیح نقل کرده است. گفت چه نقل کرده؟ گفتم چطور نشنیدید؟ گفت آلما (همسر ابتهاج) این روزها حالش اصلا خوب نیست و من خیلی پریشانم. تا صدای زنگ تلفن را می‌شنوم حالم خراب می‌شود و می‌ترسم خبر بد باشد.

نقل قول آقای ابطیح را برایش خواندم. خیلی تعجب کرد. گفت: «این نظر من نیست. آقای ابطیح زنگ زد. حرف پیش آمد. من در میان حرف‌هایم به آقای ابطیح گفتم در (شبکه خبری انگلیس) یکی این‌طور حاصل خویش اشتباهه آقای ابطیحی از یک گفت‌گوی دوستانه بین او و ها. سایه بوده است.

عظیمی در صفحه خود در فضای مجازی نوشته: از سایه پرسیدم ماجرای اظهارنظرش

جیرانی با بیان اینکه هیچ وقت به کارگردانی فکر نمی‌کرده است، گفت: بیشتر دوست داشتم فیلمنامه‌نویس شوم و هدمفم فیلمنامه نویسی بود که از «آفتاب نشین‌ها» شروع شد و ادامه پیدا کرد تا رسید به فیلم‌های «پرونده» و «رهای» و بعد از رهایی به دلیل اینکه از روزنامه بازخريد شده بودم ، فیلمنامه «سناوتور»، را نوشتم. وی ادامه داد: بعد از سناتور فیلمنامه «عاشق‌م من» را نوشتم و برای آقایان موسوی و فخیم زاده خواندم که خوششان آمد و قرار شد آن را جای «مدیرعامل» بسازیم و در آن زمان هنوز اسمش قرمز نبود. وی بیان داشت: من معمولاً نقش‌ها را طوری می‌نویسم که امکان بازی را داشته باشند و بتوانیم در سر صحنه با بازیگرها ارتباط قوی‌تری بگیریم. من معتقدم لیلا حاتمی و آتیلا پسیانی در فیلم «آب و آتش» و در فیلم «شام آخر» کتابون ریاحی بهترین نقش‌هایشان را ارائه دادند.«قرمز»، «آب و آتش» و «شام آخر» سه گانه ای بودند که من را مطرح کردند. وی با بیان اینکه سه بار به او پیشنهاد بازیگری شده است، توضیح داد: زنده یاد عباس زیرک‌ستنی به یک کارگردان جوانی توصیه کرده بود که نقش اول فیلمش را به من بدهد و من دو ماه درباره آن فکر کردم و پشیمان شدم و در نهایت امید روحانی نقش را بازی کرد. بار دیگر کارگردان دیگری پیشنهاد بازی به من داد که به دلایلی نپذیرفتم و بار سوم، پیمان قاسم خانی برای سریال «خوب بد جلف» پیشنهاد داد که با اسم خودم بازی کنم و من بازی نکردم. قبول نکردم زیرا نمی‌خواستم سرنوشت کارگردانی را پیدا کنم که بیکار شده و حالا می‌خواهد بازی کند؛ فکر می‌کنم هنوز می‌توانیم بنویسم و فیلم بسازم. جیرانی در پایان گفت: هروقت احساس می‌کنم آدم‌گی فیلمسازی ندارم کار روزنامه نگاری انجام می‌دهم، تحقیقاتم را کامل می‌کنم، مصاحبه‌های تاریخ سینما می‌خوانم و یا فکر می‌کنم که کار مطبوعاتی انجام بدهم و به همین شکل توانستم شکست‌ها و مشکلات را تحمل کنم.



علی بنی‌صدر، علی‌اکبر صادقی، امین منتظری، اندیشه آیینی، اردشیر محسنی، بهمن محمضی، بیتنا قیاضی، حسین آراش، سیند حسامیان، سام سمعی، شاپان زنده‌رودی، فرح اصولی، فرخ مهدوی، فریدون آو، قاسم حاجی‌زاده، برادران قاسمی، هدی کاشی‌ها، هما دلورای، مملی شفاهی، نیکی است.

محمدرضا فروتن در سریال «عقرب عاشق»

تصویری از سربال «عقرب عاشق» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده و تهیه‌کنندگی سیدرضا محقق، منتشر شد. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی سربال، «عقرب عاشق» دومین همکاری مشترک محمدرضا فروتن و حسین سهیلی‌زاده و اولین همکاری این بازیگر با سیدرضا محقق است.

دیگر بازیگران این سریال شبکه نمایش خانگی به زودی معرفی می‌شوند. فیلمنامه «عقرب عاشق» به طور مشترک توسط امین محمودی و حامد افضلی به نگارش در آمده است. همچنین این سریال، اولین تجربه تهیه‌کنندگی سید رضا محقق در زمینه شبکه نمایش خانگی است. عوامل این سریال عبارتند از: مدیر تولید: ابوالفضل افشاری، بازیگران: علی صلاحی، طراح گریم: سید جلال موسوی، طراح لباس: نوید فرح‌رزی، مدیر صحنه: سهیل میرسپاسی، صدابردار: محمد مهدی آزادی، صداگذار: علی ظهوری، برنامه‌ریز: مسعود میمی، دستیار اول کارگردان: سعید بیات، منشی صحنه: زهرا مهدوی، بدلکاری: کیوان رضایی، مدیر تدارکات: اصغر پسندنیور، مشاور نظامی: سرهنگ اصغرزاده، تصویربردار پشت صحنه: امیرحسین آرمند، تدوین: امین عابدی، جلوه‌های ویژه میدانی: حمید رسولیان، جلوه‌های ویژه بصری: حسین امیریان، محمدرضا آتشی و امیر ولی‌خانی، عکس: هلیا رضایی.

«زیرخاکی ۳» و «نچلا ۲» روی آنتن شبکه‌های سه و یک برنده رقابت نوروزی تلویزیون کیست؟

ماجراهای زندگی فریبرز پیش می‌رود و پژمان جمشیدی، ژاله صامتی وهادی حجازی‌فر بازیگران اصلی آن بوده‌اند. «زیرخاکی» در دو فصل گذشته نظر مخاطبان را جلب کرده و احتمالا در فصل سوم هم در این‌س هدف موفق خواهد بود. شبکه سه، آیا می‌توان رقابت را از سریالی طنز برد؟ رقابت شبکه‌های سه و یک از سال‌ها پیش برقرار بوده و همچنان ادامه دارد. در دورانی که رضا عطاران هنوز با تلویزیون قهر نکرده بود، شبکه یک در خواب هم نمی‌دید نتواند از میان مخاطبان بی‌شمار آن سریال‌ها، سهمی را مال خود کند اما اکنون چند سال است این شبکه قافیه را به شبکه یک باخته است.

با این همه برای قضاوت درباره نوروزی که در پیش داریم، هنوز زود است و باید منتظر ماند. بر اساس آنچه

اخبار کوتاه

حراج استثنایی یک تابلوی سه‌لتی از «فرانسیس بیکن»



یک تابلوی سه‌لتی از فرانسیس بیکن که عواقب ترور «لئون تروتسکی»، فیلسوف مارکسیست، را در مرکزیکوستی به تصویر می‌کشد، هفته آینده با ارزش تخمینی ۷۵ میلیون دلار به حراج گذاشته می‌شود.

به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا از خبرگزاری رویترز، تابلوی سه‌لتی ۷-۱۹۸۶ Triptych (۱۷۸۶-۷) که از سسوی حراج خانه کریستییز به عنوان یکی از آخرین نقاشی‌های مهم فرانسیس بیکن نقاش مشهور ایرلندی معرفی شده است، در یک بخش توماس وودرو ویلسون رئیس جمهوری وقت آمریکا را در حال خروج از نشست معاهده ورسای در سال ۱۹۱۹ نشان می‌دهد و در دو بوم دیگر جان اوداردز، دوست و میراثدار اصلی بیکن، را به تصویر می‌کشد. این تابلو امروز اول مارس (سه شنبه، ۱۰ اسفند) در خلال حراجی شاهکارهای قرن بیستم و بیست و یکم در لندن چکش می‌خورد. ارزش تخمینی شاهکار بیکن چیزی بین ۴۸ تا ۷۵ میلیون دلار برآورد شده است. کاترین آرنولد، رئیس بخش هنر پساچنگ و معاصر کریستییز در اروپا در گفت‌وگو با رویترز گفت: بیکن از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۹۲ زیست که تقریباً قرن بیستم میلادی را به طور کامل در برمی‌گیرد. آرنولد افزود: بیکن در این تابلو گذر زمان را منعکس می‌کند. آن لحظاتی که به طور خاص برای غرب مهم و سرنوشت ساز بودند اما همزمان برای کل جهان نیز پیامدهایی را به همراه داشتند. از دل آثار آثاری که در این حراجی به فروش گذاشته خواهند شد، می‌توان به پرتره دختری با چشمان بسته اثر اوسوین فریود اشاره کرد که ارزش تخمینی آن بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون پوند برآورد شده است. فرانسیس بیکن (۱۹۰۹-۱۹۹۰) یک هنرمند معروف ایرلندی و از نقاشان سرشناس سبک اکسپرسیونیسم در قرن بیستم بود که بیشتر به نقاشی‌های سه‌لتی یا سه بخشی خود شناخته می‌شود؛ یکی از این نقاشی‌ها که سه مطالعه بر لوسین فریود (Three Studies of Lucian Freud) نام دارد سال ۲۰۱۳ در حراجی کریستییزی نیویورک به قیمت ۱۴۲ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار به فروش رسید و به یکی از ۱۰ مورد گرانتزین نقاشی‌های تاریخ حراج‌های هنری تبدیل شد.

سازنده سازه‌های سنتی ایران در گذشت



بابک یزدان‌نژاد عضو وابسته درجه یک خانه موسیقی و هنرمند سازه‌های سنتی ایران چون سه تار، سه تار پوستی، بم سه تار و شورانگیز در سن ۴۶ سالگی درگذشت. به گزارش خبرنگار موسیقی ایرنا، زنده یاد یزدان‌نژاد متولد ۱۳۵۴ خورشیدی متولد مشهد مقدس و علاوه بر تخصصش به عنوان هنرمند سازنده سازه‌های سنتی ایران، عضو وابسته درجه یک خانه موسیقی بود.

این هنرمند سازنده سازه‌های چون سه تار، سه تار پوستی، بم سه تار و شورانگیز در سن ۴۶ سالگی درگذشت. آزاده غایبی شاعر و منتقد ادبی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی (اینستاگرام) خبر درگذشت این هنرمند را تایید کرده است.

یادداشت

به بهانه پنجاه تایی شدن اجراها

اوشان محمودی»



میگن آدمیزاد باید مراقب آرزوهایش باشه، نمی‌دونم کی کی کجا چه آرزویی کرد که آن‌من اینجام. نمایش ژیتو با این کلمه‌ها آغاز می‌شود، کلمه‌هایی از زیست شخصی من، من ایمان دارم به حضور فرشته در زندگی و امین گفتنش. ایمان واژه‌ای است که در سال‌های گذشته بیشترین تکرار را در زندگی شخصی ام داشته‌ام؛ز سال ۹۷ که آغاز مرحله ی دوم زندگی هنری ما بوده، با تغییر و رشد همراه شد، از گروهی که در آن سال کنار هم مسیری را آغاز نمودند.کنار همم تا هر کجا که دلشان یاری کرد، تا هر کجا که ایمان به همتیمی وجود داشت. پینوکیو اولین نمایش از سه گانه ایست که در ذهن درخشانم، نگارش شد و با توجه به امکانتان به اجرا رسید، در دورانی که اینترنت قطع بود، تنها ارتباط پیامک و تراکت بود.در دوران خطاهای انسانی من و گروهم در پلاتو و سالن‌های مختلف سعی و خطا می‌کردیم، خلق می‌کردیم و از بین می‌زدیم تا به یک مخلوق باب میل دست پیدا کنیم!!! نتوانم پینوکیو شد آنچه باید میشد، ۲۵ شب صادق برقعی علی تاریمی نرگس نیک سیرت گل آرا غفرانی و پارمیدای حسینی که آن زمان ۱۳ سال داشت میزبان ۲۰۰۰ مخاطب بودند، در دوسال کنار هم بودن از هم آموختیم و با هم تجربه کردیم، پینوکیو از آب و گل درآمد، گروه را ترک کرد و برای همیشه تجربه هم زیستی اش را برای ما باقی گذاشت.نویت به عنوان دست دلیل اصرار مرا مرکز هنرهای نمایشی برای تغییر نام را ژیتو، هنوز که هنوز است دلیل اصرار مرا مرکز هنرهای نمایشی برای تغییر نام را نمیدانم، اما به هر شکل نامش تغییر کرد و شد ژیتو، ایده ی ابتدایی ژیتو با خواندن مقاله‌ای از دکتر یونگ درباره ی خواب در سال ۹۱ شکل گرفت، از آن سال‌ها همیشه میخواست فرزند اول باشم، اما به عنوان خالق برایش امکانات لازم نداشتند تا در سال ۹۹ بالاخره فرصت زندگی کردن گرفت ، ژیتو داده‌های مهربان تر از مادر داشت این بار صادق علی پارمیدا که حالا ۱۵ سال دارد در کنار آدین نظری و بی تا عزیز اقلی و محمد شهیار قرار گرفتند تا به ژیتو راه و رسم زندگی را نشان دهند، ژیتو خوشبخت بود چرا که بازیگرانی قرار بود به آن جان ببخشند که کار جمعی را بر فریدت برتر می‌دانند، ژیتو احتیاج به گذشت و همدلی داشت، چه بر روی صحنه چه در پشت صحنه، از آغاز تمرین‌ها ایمان داشتیم به موفقیت و دیده شدن این نمایش، چرا که مهرها بعد از کمی سعی و خطا بدرستی کنار هم چیده شده بودند، بازیگرانی که با مهر و بدور از هیچ حسادتی کنار هم قرار میگرفتند و در خدمت کار بودند و ایثار می‌کردند، لذت دارد داشتن چنین گروهی کنار هم، همه آن اتفاقی که هدف گروه آرتسفر بود رخ داد، ایمان به هم، اعتماد به هم تیمی با هر عنوانی، چه مهدی زمانی باشد که با تن‌های موسیقی سر و کار دارد چه فازه سلطانی که با فوم و رنگ و قلم مو، چه محمد صحنی با پارچه و نخ و سوزن و چه در تمرین و پلاتو ی ۴۰ متری و چه بر روی صحنه ی نمایش و هم نفس با تماشاچی.مسیری که از چند سال قبل آغاز شده بود در حال طی شدن و بزرگ شدن است. از تئاتر دانشگاهی آغاز کردیم و حال با همان روحیه وارد مرحله‌ای جدید شدیم، ژیتو در سه جشنواره داخلی پذیرفته شد که دوتای آنها (جشنواره تئاتر دانشگاهی و جشنواره فجر) برگزار شده و سومی جشنواره بین المللی کودک و نوجوان همدان در سال ۱۴۰۱ میزبان آن نمایش خواهد بود، تا به این جا ژیتو در ۹ بخش کاندیدی بوده است که در دو بخش موفق به دریافت جایزه شده.آن‌ها که در دایره ی اولیه ی ارتباطاتم هستند رویکردم را نسبت به جشنواره‌ها میدانند.به عقیده ی خویشتن برای ژیتو تا به اینجا جایزهای شیرین تر از حضور بیش از ۵۰۰۰ مخاطب نبوده، چه لذتی بالاتر از حضور تماشاگر در سالن نمایش و رضایت آنها، مگر غیر از این است برای مردمی که در جغرافیای ما حضور دارند و طعم تلخی روزگار این روزها بیشتر بر صورتشان سنگینی میکند.سرگرمی و لبخند پیشکش کنیم.اینکه با کنار هم قرار گرفتن درست بازیگر و نور و صحنه و آکسوزار و موسیقی، جادویی خلق کنیم که برای چند لحظه مخاطبانم رسانه‌هایی با آدرس غلط را فراموش کنند. همانطور که برای کل گروه کار تیمی تجویز میکنم خودم هم از این قاعده مستثنی نیستم و تنهایی هیچم، در این سال‌ها اگر شهاب بردارم کنارم حضور نداشت هیچ نبوده‌ام، خوشبختم از داشتن برادری چنین، گروه آرتسفر این روزها بزرگتر و با تجربه‌تر از قبل با حضور افرادی باتجربه در حالی که ژیتو را به سسر منزل هدایت می‌کند پیش تولید اثر سوم با نام موفق گربه نره و روباه مکار را برنامه‌ریزی می‌کند. در انتهای ای یادداشت، از تمامی همراهانی که دیگر کنار ما نیستند ممنون و سپاسگزارم، از همراهی مخاطبانی که خود را نسبت به آنها مسئول میدانیم تشکر می‌کنم و حال خوب گروهمان را مدیون انرژی و تشویق‌های آنها می‌دانیم

به امید خلق آثار ماندگار تر و تاثیر گذارتر

«کارگردان نمایش ژیتو و سرپرست گروه تئاتر آرتسفر